

15-01-2014

عملکرد احزاب در افغانستان تخته خیز قومی است

احزاب سیاسی یکی از پدیده های است که تعریف واحدی از آن وجود ندارد شاید این امر ناشی از ابهام در کارکرد آن باشد از میان تعریف های مختلفی که به یک حزب سیاسی داده شده تعریف ذیل را میتوان جامع دانست: "حزب عبارت از یک گروه از افرادی که دارای ظرفیت فکری باشندگردد هم آمده و دارای همسوئی سیاسی، به اساس اصول، برنامه ها، استراتژی و خط مشی های مشترک در درون یک سازمان مشخص به منظور رسیدن به اهداف مشترک فعالیت میکنند". روش یک حزب مخالف حکومت تنها و تنها برای بدست آوردن قوه و قدرت سیاسی در یک کشور نیست بل احزاب در فعالیت های مانند پژوهشهای آموزشی جامعه، مشارکت در فعالیت های انتخاباتی و اعتراض در سیاست های حکومت که مطابق به خواسته های جامعه نمی باشد سهم فعال داشته و در مقابل ارائه طرح استراتژی بدیل در بخش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای حکومت بر سر اقتدار پیشنهاد میکند، حزب وسیله ارتباط بین دولت و ملت است، احزاب در شکل دادن به خواسته های سیاسی ملت برنامه های سیاسی روشن دارد. یک حزب سعی دارد که اعضای آن بطور کل از بافت اجتماعی سرتاسری کشور بطور متوازن نمایندگی کند بطور عموم احزاب برنامه های کاری خود را زیر عنوان منفعت عامه ابراز و پروگرام های خود را در راه تامین منافع عمومی ارائه میکنند و میکوشند برنامه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای همه طبقات جامعه در نظر گرفته به مرحله اجرا گزارند. و برای تأمین هزینه خویش در مبارزات انتخابی از سهمیه ای که دولت برای هر حزب تعیین میکند و همچنان توسط موسسات ملی و نهاد های اقتصادی همان کشور کمک مالی میشوند و کمک های که احزاب برای فعالیت های انتخابی حاصل میکنند با نیست شفاف و قابل فهم باشد. آگاهان سیاسی را عقیده بر آن است که دیموکراسی چیزی جز رقابت حزبی نیست و انتخابات بدون رقابت آزاد و سالم معنی و مفهوم خود را از دست میدهد. در یک نظام پارلمانی یک حزب توسط نمایندگان اش در مجلس شورانماینده می کند و رهبر حزب در عین زمان به عنوان رهبر اعضای حزبی در مجلس انجام وظیفه میکند و در نظام های انتخاباتی نوع نظام عامل اساسی در تعیین نوع نظام سیاسی احزاب هر کشور است.

در افغانستان احزاب به شکل سازمان یافته که فوقاً ذکر شد در مرحله ابتدائی آن قرار دارد که هنوز رول مهم و برجسته در ساختار سیاسی کشور بازی کرده نمی توانند و حکومت آقای کرزی هم به نوبه خود در تشویق و توسعه احزاب در افغانستان کم کاری ها و مشکلات زیادی را ایجاد نمود و از جانب دیگر هنوز مردم ما پخته گی سیاسی ندارند و مزایای سیاسی و اجتماعی احزاب طوری که شاید و باید توسط رسانه های دیداری و چاپی تبلیغ و روشننگری نشده و احزاب نوپا در مراکز کشور فعالیت محدود را شروع نموده اند ولی بطور گسترده در ولایات کشور دفاتر فعال که نمایندگی از احزاب کند تقریباً وجود ندارد. و یک تعداد احزاب کوچک که در افغانستان تشکیل شده رهبری و رهنمائی آن توسط یک شخص و یا یک گروپ محدود به منظور تامین منافع شخصی پایه گذاری شده و این احزاب به یقین چانس آنرا ندارند که در انتخابات

سرتاسری کشور برنده شوند و نه از اعتماد سرتاسری برخوردار استند ولی سعی دارند که با زدوبند های سیاسی با گروپ های دیگر به منظور منفعت طلبی سوء استفاده کنند و آگاهان سیاسی به این نظر اند که این گونه احزاب زیاده تر صیغه قومی و پیوند های قبیلوی را دنبال میکنند و امکان آنهم می رود که تحت نفوذ و سوء استفاده کشورهای خارجی قرار داشته باشند.

اکثر نامزدان ریاست جمهوری زورمندانی اند که از یک قوم معین نمایندگی دارند و قوم وی از این شخص حمایه سیاسی میکند و لست از اشخاصی را که یکی از پیش شرط ها برای کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری تعیین شده است شاید اکثر اسامی این لست از همان قوم جمع آوری شده باشد و حزب وی را قوم و قبیله وی تشکیل میدهد نه اینکه با یک برنامه وسیع سیاسی که هدف آن اتحاد ملی، آشتی ملی و پیشنهادات به منظور حل معضله های اجتماعی، اقتصادی کشور را ارائه کند و خط المش سیاسی و اهداف خود را در کدام رسانه های ملی قطعاً نشر نکرده اند و مزید بر آن تا اکنون که هنوز فعالیت های انتخاباتی به کاندیدات ریاست جمهوری اجازه داده نشده ولی یک یا چند کاندید معلوم الحال پیش دستی نموده و قبل از وقت با یک دیده دارائی خاص شروع به تحقیر، مذمت و تعرض به شخصیت یک کاندید رقیب خویش نمودند و با کنایه های خیلی تنگ نظرانه و با یک ادبیات سرکویه حمله به رقیب خویش نمودند از همین اکنون سعی دارند که برای برهم زدن انتخابات رقابت های انتخاباتی بطور شفاف به رقابت های قومی و وزبانی تبدیل کنند که این امرا اهداف اهریمنی، نا ناپختگی سیاسی و نارسائی شخصی کاندید را نشان میدهد.

یک عده ائی از زورمندان و کرسی نشینان حزبی را که بطور فوری و ضروری به منظور این انتخابات تشکیل داده اند همان نظریات قومی و قبیله گرائی خویش را در چوکات حزبی خویش تبارز میدهند و در کمپاین انتخاباتی دستیاران و معاونین خویش را گرچه از اقوام دیگر به منظور اغوا نمودن ملت بیچاره انتخاب کرده اند ولی اگر کاندید متذکره در انتخابات برنده گردید باز هم همان سطریره قومی خویش را به پیش خواهد برد و اگر روش سیاسی وی با مخالفت معاونین اش روبرو گردید وی به بسیار راحتی میتواند که در انتخاب معاونین خویش تجدید نظر و در عوض شخص دیگر را که همسویی با اهداف قبیله گرائی و بافت سنتی وی داشته باشد برگزیند. (1)

به هر حال مردم با یک نوع بیم و امید بسوی انتخابات آینده کشور نگرسته و بسیار محتاطانه انتظار دارند که یک انتخابات شفاف و بدون کدام واقعات تروریستی، جنجال و خون ریزی در کشور برگزار شود که منجر به بهبود شرایط در هم و بر هم فعلی کشور و قناعت مردم را تا اندازه ائی حاصل نماید ما امید داریم که فعالان احزاب حوصله و تحمل پذیرش جریان های مختلف را داشته و مفهوم واقعی یک حزب را درک کرده باشند.

1-- داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ "تعدد احزاب تخته خیز سیاسی است نه اجماع ملی" که در ویب سایت های کشور به نشر رسیده.